

نگاه

شهری که خودش را فراموش کرد



محمد صالح‌زاده

پژوهشگر مسائل شهری

مرد سالخورده هر صبح پیش از آنکه مغازه‌اش را باز کند، چند دقیقه‌ای روی نیمکتی در میدان قدیمی شهر می‌نشینت. سال‌ها بود که همین کار را می‌کرد؛ به رهگذران سلام می‌داد، صدای گنجشک‌ها را می‌شنید و با پشت درختان، گنبد و بام‌های آشتای شهر را تماشا می‌کرد. اما یک روز، وقتی سرش را بالا گرفت، دیگر چیزی از آن منظره باقی نمانده بود. دیوار شیشه‌ای برجی تازه‌ساز، همه‌چیز را بلعیده بود؛ نه از درختان خبری بود، نه از آسمانی که هر صبح آغاز روزش را با آن گره می‌زد. نیمکت همان بود، میدان همان بود، اما شهر دیگر همان شهر نبود.

این، روایت یک نفر نیست؛ روایت بسیاری از شهرهای امروز ایران است. شهرهایی که بی‌آنکه متوجه باشند، در مسیر توسعه، آرام‌آرام خاطره، هویت و نسبت خود با انسان را از دست می‌دهند. شهرها معمولاً یک‌شبه ویران نمی‌شوند؛ پیش از آنکه فرو بریزند، آرام‌آرام خودشان را فراموش می‌کنند. نخست، درختان شهر جایشان را به دیوارهای بلند می‌دهند؛ بعد میدان‌های شهر که محلی برای تعاملات اجتماعی بودند، از گشت‌وگو خالی می‌شوند، بازارها حافظه اقتصادی خود را از دست می‌دهند و رودخانه‌ها، پیش از آنکه خشک شوند، از زندگی تهی می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند، شهری است که هر روز بزرگ‌تر به نظر می‌رسد، اما هر سال بخشی از هویت، حافظه و زیست‌پذیری خود را از دست می‌دهد. امروز بسیاری از شهرهای ایران دقیقاً در چنین نقطه‌ای ایستاده‌اند؛ جایی که مسئله دیگر صرفاً سرعت توسعه نیست، بلکه این پرسش بنیادین است که آیا توسعه، هنوز برای انسان، طبیعت و فرهنگ شهری معنا و جایگاهی باقی گذاشته است؟ پرسش امروز این نیست که چرا شهرها بزرگ‌تر شده‌اند؛ پرسش این است که چرا هم‌زمان، کوچک‌تر از آن چیزی شده‌اند که بتوان در آنها زندگی کرد. شهرهای امروزی ایران، در یک پیچ تاریخی سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌اند. هجوم «توسعه شتاب‌زده»، نفوذ الگوهای نامتناسب شهری» و «نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های بومی، مجموعه‌ای از بحران‌های عمیق هویتی، کالبدی و زیست‌محیطی را در بطن این شهرها پدید آورده است. آنچه زمانی «شهر ایرانی» یا هویتی مشخص و پیوندهای اجتماعی قوی بود، اکنون در معرض فرسایش تدریجی قرار گرفته است. یکی از بارزترین نمودهای این بحران، غالب‌شدن «کالبد فیزیکی» بر «روح معنوی شهر» است. رشد قارچ‌گونه ساختمان‌های بلندمرتبه و بی‌هویت، که اغلب فاقد هرگونه تناسب با اقلیم، فرهنگ و معماری بومی هستند، منظر شهری را مخدوش کرده و حس تعلق شهروندان به محیط زندگی‌شان را کاهش داده است. فضاهای عمومی، مانند پارک‌ها، میدان‌ها و خیابان‌ها، از کارکرد اصلی خود- یعنی گردهمایی، تعامل و شکل‌گیری هویت جمعی- بازمانده و به فضاهایی صرفاً عبوری یا مصرفی بدل شده‌اند. رودخانه‌های خشک‌شده یا آلوده، فضاهای سبز و به زوال و کیفیت نامطلوب هوا، نشانه‌های آشکاری از بی‌توجهی بنیادین به «محیط زیست شهری» هستند. مدیریت ناکارآمد پسماند، توسعه بی‌رویه در مناطق حساس طبیعی و عدم وجود راهبر‌های پایدار زیست‌محیطی، شهرهای ما را در معرض بحران‌های جدی زیست‌محیطی قرار داده است. این وضعیت، نه‌تنها سلامت شهروندان را تهدید می‌کند، بلکه ظرفیت‌های اقتصادی و گردشگری بلندمدت شهرها را نیز از بین می‌برد. تمرکز صرف بر «پرسازی کالبدی» و «پروژه‌های عمرانی کلان»، اغلب منجر به نادیده‌گرفتن «اقتصاد شهری محلی» شده است. زوال بازارهای سنتی، تضعیف مشاغل خرد و خانگی و وابستگی فزاینده به کالاهای وارداتی، ریشه‌های اقتصادی شهرها را سست کرده است. ایجاد «فضاهای تجاری بی‌هویت» و مراکز خرید برزرق‌ورق، نتوانسته جایگزین مناسبی برای «مراکز اقتصادی اصیل محلی» و «فرهنگ کار جمعی» باشد. فقدان یک «گفت‌وگو اجتماعی شهری» فراتر که بتواند دیدگاه‌ها و نیازهای اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه نسل‌های متفاوت را در برگیرد. نخبگان شهری، مدیران و شهروندان، اغلب در «جزایر مجزایی» از درک متقابل زندگی می‌کنند. این شکاف، مانع از شکل‌گیری اجماع لازم برای اتخاذ تصمیمات مؤثر و پایدار در حوزه مدیریت شهری می‌شود. گذار از این وضعیت بحرانی، مستلزم بازگرداندن «انسان» به کانون توجه در فرایند «طراحی و مدیریت شهری» است.

این امر نیازمند بازاندیشی در معماری و شهرسازی؛ اولویت‌بخشی به معماری پایدار و منطبق با اقلیم و فرهنگ بومی و خلق فضاهای عمومی پویا و انسان‌محور؛ توسعه پایدار زیست‌محیطی؛ اجرای راهبر‌های جامع مدیریت پسماند، حفظ منابع آب و خاک و ترویج حمل‌ونقل پایدار؛ تقویت اقتصاد شهری محلی؛ حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، صنایع دستی و گردشگری پایدار با تأکید بر «کیفیت» و «اصالت»؛ ایجاد «گفت‌وگو شهری مستقیم»؛ فراهم‌آوردن بستری برای مشارکت فعال شهروندان، نخبگان در کنار مدیران در فرایند تصمیم‌گیری شهری است. شهرهای امروزی ایران، در بزنگاهی تاریخی قرار دارند. انتخاب میان ادامه مسیر «توسعه بی‌هویت» و «فرسایش تدریجی» یا بازگشت به اصول «شهرسازی انسانی» و «توسعه پایدار، فقط با اراده‌ای جمعی و بازاندیشی بنیادین در نحوه زیستن شهری امکان‌پذیر است.

یادداشت

قدرت، نقد و سوسه‌تک‌صدایی

در ساختارهای بسته به نقد، پاداش اصلی نه با بیان حقیقت، بلکه با تأیید قدرت توزیع می‌شود. در نتیجه، اطلاعاتی که به مرکز تصمیم‌گیری می‌رسد، به طور سیستماتیک دچار عوجاج می‌شود. این همان نقطه‌ای است که خطای سیاست از «استثنا» به «قاعده» تبدیل می‌شود.

از همین منظر است که استمرار وضعیت حضر میرحسین موسوی و زهرآر هنورد و نیز محدودیت‌ها و برخورد‌های قضائی با چهره‌هایی مانند مصطفی تاج‌زاده، صرف‌نظر از ارزیابی‌های سیاسی درباره سوابق آنان، یک مسئله واحدی را برجسته می‌کند: جایگاه «مخالفت سیاسی» در نظم حکمرانی. اگر مخالفت سیاسی به عنوان بخشی از سازوکار رسمی سیاست به رسمیت شناخته نشود، ناگزیر به شکل‌های غیررسمی، بازتولید خواهد شد. در این میان، اصلاح‌طلبی در ایران -به‌ویژه در قرائت اولیه آن در دهه ۷۰- بیش از آنکه یک پروژه جابه‌جایی دولت باشد، تلاشی برای تعریف نسبت قدرت و نقد بود. ایده «جامعه مدنی»، «حاکمیت قانون» و «توسعه سیاسی» به تکرار فرض استوار بود که پایداری سیاسی نه از مسیر یک‌دستی، بلکه از مسیر تنوع کنترل‌شده و نهادهی می‌گذرد. در همین چارچوب است که جمله سیم‌محمد خامنه‌ی «زندehاد مخالف من»- معنایی فراتر از یک شعار پیدا می‌کند. این جمله، در سطح نظری، پذیرش این اصل است که مخالف نه تهدید نظم، بلکه شرط امکان اصلاح نظم است. در واقع، حذف مخالف به معنای حذف یکی از ابزارهای شناخت خطاست. از این منظر، مسئله اصلی امروز ایران نه صرفاً اختلافات جناحی، بلکه نسبت میان قدرت و واقعیت است. هر نظام سیاسی که در آن فاصله میان این دو افزایش یابد، دیر یا زود با بحران کارآمدی مواجه می‌شود؛ زیرا قدرتی که نقد را محدود می‌کند، به‌تدریج دسترسی خود به اطلاعات معتبر را نیز محدود می‌کند. جمع‌بندی این تجربه روشن است؛ مسئله ایران نه فقدان قانون، بلکه تضعیف کارکرد نقد در کنار قانون است. قانون بدون امکان نقد به متن ثابت تبدیل می‌شود و سیاست، بدون نقد، به تکرار تصمیم‌های پرهزینه، اگر سیاست را بتوان به یک اصل فروکاست، شاید این باشد: هیچ قدرتی از شنیدن حقایق آسیب نمی‌بیند، اما از محروم‌شدن از آن آسیب‌پذیر می‌شود. و شاید به همین دلیل است که سیاست، در نهایت با یک جمله ساده دوباره تعریف می‌شود: زنده‌باد مخالف من.

آیدامه از صفحه اول



عین‌علی غفران

گزارش «شرق» از تأثیر حملات اخیر به درمان و آموزش استان خوزستان

از تخلیه بیماران تا تعویق امتحانات

نیلوفر حامدی؛ اهواز، بهبهان، دزفول، امیدیه، اندیمشک، ماهشهر، آبادان و اطراف شادگان؛ انفجار و

جنگ بار دیگر به جنوب ایران رسیده است؛ جنگی که تا امروز نظم زندگی مردم این شهرها را بیش از هر چیز دیگری هدف گرفته؛ از بیمارستانی که کودکان مبتلا به سرطان در کمتر از ۱۲ ساعت از آن تخلیه شدند تا کلاس‌هایی که آینده هزاران دانش‌آموز در بلاکلیفی تعویق امتحان‌های نهایی معلق مانده است.

حسین کرمانپور، سخنگوی وزارت بهداشت از ۱۲ ساعت تخلیه کامل بیمارستان بقایی اهواز به «شرق» می‌گوید: «به محض اینکه شرایط جنگی آغاز شد، نگرانی ما برای مراکز درمانی هم به روال همیشگی خود برگشت. به هر حال از جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان تجربه داشتیم و می‌دانستیم که هر لحظه باید پای کار باشیم تا به محض بروز مشکل بتوانیم خدمات‌رسانی ویژه‌تری به مردم اختصاص دهیم. با آغاز حملات به استان‌های جنوبی و مشخصاً استان خوزستان، مراکز درمانی را رصد کردیم. متأسفانه اتفاقی که نباید، رخ داد و حملاتی در نزدیکی بیمارستان شهید بقایی به گوش رسید. ما هم بلافاصله دست به کار شدیم. از آنجایی که در این مرکز درمانی کودکان مبتلا به بیماری سرطان نگهداری می‌شوند و صدای موشکی‌ران هم بیش از توان روانی و جسمانی این کودکان است، دستور به درازا نشد؛ «خوشبختانه با رفع خطرات احتمالی و صدای موشک و انفجار، بیمارستان شهید همدلی همکارانمان، فقط در کمتر از چند ساعت تمامی بیماران را به سایر بیمارستان‌های شهر که وضعیت امنی داشتند منتقل کردیم». کادر درمان اما در این مدت بی‌ای کار ماندند؛ «تخلیه بیماران اما به معنی تخلیه کل بیمارستان نبود. کادر درمان ما اگرچه آن مرکز درمانی را ترک کرد اما پای کار ماندند و خدمات درمانی را در مراکز دیگر ادامه دادند». تخلیه این بیمارستان البته حتی یک روز هم به درازا نشد؛ «خوشبختانه با رفع خطرات احتمالی و صدای موشک و انفجار، بیمارستان شهید بقایی دوباره بعد از ۱۲ ساعت به حالت عادی بازگشت. بیماران را با فاصله زمانی و بدون عجله به این مرکز درمانی برمی‌گردانیم. همین حالا هم تعدادی از آنها به جای خود بازگشته‌اند. کادر درمان هم که آماده به خدمت بودند، در همین بیمارستان دوباره فعالیت‌شان را از سر گرفتند». سخنگوی وزارت بهداشت تأکید می‌کند این جنگ‌ها نشان داده مکان ساخت مراکز درمانی و نظامی

باید به طور جدی مورد بررسی قرار گرفته شود؛ «اصول جنگ‌ها تغییر کرده است. دیگر خازین ساخته نمی‌شود و سنگر و زمین جنگی در کار نیست. کنشروها با روش نقطه‌زنی به هم حمله می‌کنند. همین حالا هم اگر ببینید، هم‌هوش کشور ما و هم دشمنانمان در این جنگ، نشانه‌گرفتن هدف‌های خاص است. پس این موضوع به ما نشان می‌دهد باید در دستورالعمل‌های ساخت مراکز نظامی و آموزشی و بهداشتی و درمانی اصول و ملاحظات ویژه‌ای در نظر بگیریم. به طور مشخص لازم است مراکز نظامی از مراکز شهری فاصله داشته باشند. همچنین خیلی اهمیت دارد محیط‌های بهداشتی و درمانی و آموزشی را در جوار مراکز نظامی ننرازیم. این احتمالات یکی از مهم‌ترین تجربه‌های ما از چند جنگ اخیر در کشور خواهد بود».

روز یک بعد از این اتفاق، استاندار خوزستان اعلام کرد: «در زمان حمله آمریکا

به محدوده بیمارستان کودکان سرطانی «شهید بقایی»، بیماران سرطانی، تالاسمی

و بدخیم بستری بودند، محمدرضا موالی‌زاده با بیان اینکه حمله به مجاورت

بیمارستان شهید بقایی، نقض آشکار اصول انسانی و قواعد بین‌المللی است، گفت:

«پس از وقوع حادثه، بیماران بیمارستان شهید بقایی نیز در کوتاه‌ترین زمان ممکن

به بیمارستان‌های گلستان، سینا و دیگر مراکز درمانی منتقل شدند تا روند درمان

آنان بدون وقفه ادامه یابد». بیمارستان بقایی ۲، از مراکز تخصصی و فوق‌تخصصی

دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز است که به بیماران و کودکان مبتلا به

بیماری‌های هماتولوژی و آنکولوژی خدمات درمانی ارائه می‌دهد.

در اطلاعیه دانشگاه علوم پزشکی اهواز درباره این اتفاق آمده: «به دنبال حملات دشمن به شهرستان اهواز و وقوع انفجار در نواحی مجاور بیمارستان بقایی ۲، این مرکز تخصصی درمان بیماران و کودکان مبتلا به بیماری‌های هماتولوژی و آنکولوژی به‌منظور حفظ امنیت بیماران و کارکنان، موقتاً از چرخه خدمت‌رسانی خارج شد. تمامی بیماران با رعایت کامل پروتکل‌های ایمنی، به سایر بیمارستان‌های شهر اهواز منتقل شدند. در پی این حملات، خوشبختانه آسیبی به بیماران وارد نشد و خدمات درمانی آنها در مراکز پذیرنده بدون وقفه در جریان است».

دانش اهوزان بلاکلیفی

رد ایسن جنگ را البته می‌توان روی وضعیت دانش‌آموزان جنوب ایران و حوزه آموزش کشور هم دید. ستاد عالی آزمون‌های وزارت آموزش و پرورش درباره برگزاری امتحانات نهایی در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان‌وبلوچستان اطلاعیه‌ای صادر کرد. در متن این اطلاعیه آمده است: «بر اساس تصمیم ستاد عالی آزمون‌های وزارت آموزش و پرورش و با توجه به شرایط خاص کشور در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان‌و بلوچستان، امتحانات نهایی تمام رشته‌های تحصیلی پایه دوازدهم در روز پنجشنبه ۲۵ تیر و پایه یازدهم در روز شنبه ۲۷ تیر لغو و به زمان دیگری که متعاقباً اعلام خواهد شد، موکول می‌شود. بدیهی است امتحانات نهایی سایر استان‌ها و امتحانات بعدی استان‌های مذکور، بر اساس برنامه ابلاغی در مورد مقرر برگزار خواهد شد». «سمانه» که معلم پایه یازدهم در اهواز است، از احوالات این روزهای خودش، همکارانش و دانش‌آموزان به «شرق» می‌گوید: «طبیعی است که دانش‌آموزان شرایط خوبی ندارند. نگران هستند و اینکه تکلیف‌شان روشن نیست، اوضاع را برایشان دشوارتر می‌کند. در این فصل از سال به طور کلی زندگی در خوزستان سختی‌های خودش را داشت. گرما و رطوبت هوا از یک سو و قطع برق از سوی دیگر، شرایط را در حالت عادی هم برای همه ما سخت می‌کرد. واقعاً دیگر توان مقابله با جنگ از روحیه و روان ما و مردم این استان خارج است. اهوازی‌جامعات کم سختی نکشیده که حالا بخواهد دوباره بعد از چند دهه جنگ و تبعات و مخاطرات آینده‌اش را هم به جان بخرد. همین حالا

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۶۰۰۷۱۶۴/۱۶۰۰۳۱۰۰۵۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض خانم فاطمه محمودی کبریا فرزند رحمت بشماره شناسنامه ۲۱۷ صادره از محمودآباد ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی باغ به مساحت ۵۱۷/۰۰ مترمربع پلاک ۵۱۸ فرعی از ۲۳ اصلی بخش ۱۰ واقع در لامیزده خریداری از مالک رسمی آقای رحمت محمودی کبریا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م.الف. ۲۲۲۶۲۰۶

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

مهدی آزاد

از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۶۷۷

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۶۰۰۴۰۹۱/۱۶۰۰۳۱۰۰۵۶۰۱۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد عظیمی فرزند علیرضا بشماره شناسنامه ۱۶۳۲۷ صادره از آمل در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی که ۱۶/۵ سیر از ۲۴۰ سیر عرصه مشاع آن وقف می باشد به مساحت ۴۰۳/۱۹ مترمربع پلاک ۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۲ واقع در کنس مرز خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی قاسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م.الف. ۲۲۲۶۳۹۹

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

مهدی آزاد – از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۶۷۸

خبرخوان

شهادت ۳۸ نفر در حملات اخیر

ایرنا: رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مصدوم‌شدن ۴۰۰ نفر و شهادت ۳۸ نفر در حملات اخیر آمریکا در تیرماه خبر داد. حسین کرمانپور روز جمعه در حساب ایکس خود درباره مصدوم‌شدن و شهادت هم‌وطنان به واسطه حملات اخیر دشمن در تیرماه ۱۴۰۵ نوشت: «در جنگ تیرماه تا ساعت ۶:۳۰ صبح ۲۶ تیر، شمار مصدومین حملات آمریکا از ۴۰۰ نفر عبور و ۳۸ نفر هم‌وطن نیز شهید شدند». او یادآور شد: «در میان آنها ۲۲ زن مصدوم، سه زن شهید، ۹ مصدوم زیر ۱۸ سال و یک شهید زیر ۱۸ سال دیده می‌شود. ۴۷ نفر بستری و نیازمند دعای مردم عزیز هستند. سلامت، نخستین قربانی جنگ است.»

ابتلای سالانه ۱۸ تا ۲۰هزارنفر

ایستنا: رئیس اداره بیماری‌های زئونوز (بیماری‌های منتقله از حیوان به انسان) وزارت بهداشت با بیان اینکه سالانه حدود ۱۸ تا ۲۰هزار نفر به تب مالت مبتلا می‌شوند، گفت: «تب مالت یا ارتباط «مستقیم» و «غیرمستقیم» با دام، به انسان منتقل می‌شود». محمد زینلی درباره بیماری تب مالت ادامه داد: «تب مالت، بیماری عفونی قابل انتقال میان حیوان و انسان به شمار می‌رود و با ارتباط «ابتلای دام به این بیماری سب سقط جنین می‌شود. ارتباط با ترشحات جنین سقط‌شده دام، می‌تواند برای افرادی که فاقد هرگونه وسایل حفاظت شخصی مانند عینک، لباس و دستکش هستند، سبب بیماری شود. ارتباط با ترشحات دام بدون استفاده از وسایل حفاظت شخصی می‌تواند سبب میکروارگانسیم‌ها به‌ویژه «بروسلا» که عامل اصلی تب مالت به بدن شود. پس از دوره کمون، علائم بیماری تب مالت در افراد ظاهر می‌شود. دوره کمون بیماری می‌تواند سه هفته تا شش ماه زمان‌بر باشد».

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۶۰۰۴۰۹۵/۱۶۰۰۳۱۰۰۵۶۰۱۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم همتا کیانی فرزند رحمت بشماره شناسنامه ۳۰۴ صادره از در ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی که ۱۶/۵ سیر از ۲۴۰ سیر عرصه مشاع آن وقف می باشد به مساحت ۴۰۳/۱۹ مترمربع پلاک ۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۲ واقع در کنس مرز خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی قاسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م.الف. ۲۲۲۶۳۸۲

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

مهدی آزاد – از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۶۷۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۶۰۰۴۰۹۲/۱۶۰۰۳۱۰۰۵۶۰۱۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد اسدکی کرمانی فرزند عباس بشماره شناسنامه ۱۴۴۳۵۷۲۱۳۰۱ صادره از آمل در ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی که ۱۶/۵ سیر از ۲۴۰ سیر عرصه مشاع آن وقف می باشد به مساحت ۴۰۳/۱۹ مترمربع پلاک ۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۲ واقع در کنس مرز خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی قاسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م.الف. ۲۲۲۶۳۹۲

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

مهدی آزاد – از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۶۸۰